

بررسی تأثیر توسعه مالی بر نابرابری در آمدی در استان‌های جنوبی ایران؛ خوزستان، بوشهر، هرمزگان و سیستان و بلوچستان

شاهین بهداروند^a

^a کارشناسی ارشد، اقتصاد توسعه و برنامه‌ریزی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران

نویسنده مسئول: شاهین بهداروند (Shahin_behdarvand@atu.ac.ir)

چکیده:

این پژوهش با هدف بررسی اثر توسعه مالی بر نابرابری درآمدی در مناطق شهری استان‌های جنوبی ایران یعنی خوزستان، بوشهر، هرمزگان و سیستان و بلوچستان، از داده‌های ضریب جینی در مناطق شهری استان‌های مذکور و نسبت تسهیلات بانکی اعطایی این استان‌ها به تولید ناخالص داخلی طی بازه زمانی ۱۳۸۴-۱۳۹۸ استفاده می‌کند. در این پژوهش از رهیافت داده‌های تابلویی استفاده شده است و نتایج تخمین نهایی آن نشان می‌دهد که تسهیلات اعطایی بانک‌ها در این استان‌ها با ضریب جینی رابطه مستقیم دارد. بنابراین به نظر می‌رسد توسعه مالی نمی‌تواند باعث کاهش نابرابری درآمدی در این استان‌ها شود. لذا این پژوهش نمی‌تواند فرضیه منفی بودن رابطه توسعه مالی با نابرابری درآمدی را تأیید کند. همچنین نتایج حاکی از رابطه معکوس حجم تجارت این مناطق با ضریب جینی در دوره مورد بررسی می‌باشد.

کلمات کلیدی: توسعه مالی؛ تسهیلات بانکی؛ نابرابری درآمدی؛ جنوب ایران؛ مناطق شهری.

۱. مقدمه

بحث در مورد توزیع درآمد، به عنوان نمادی از عدالت اجتماعی و ارتباطی که این متغیر مهم با رشد و توسعه اقتصادی دارد همواره در زمره‌ی موضوعات پر چالش در بین اقتصاددانان بوده است [4].

امروزه کاهش نابرابری در استفاده از منابع، امکانات و تسهیلات یکی از مهمترین ملاک‌های توسعه پایدار در سطح مناطق به شمار می‌رود [8] و یکی از مشکلات اساسی در برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای با هدف توسعه اقتصادی، تعیین روش‌هایی است که دولت به کمک آن‌ها بتواند منابع منطقه را به گونه‌ای تخصیص دهد تا رشد اقتصادی و کاهش نابرابری درآمدی مناطق یا منطقه موردنظر به صورت همزمان تحقق یابد [2].

در برخی مطالعات نیز یکی از عوامل تحقق رشد اقتصادی، توسعه بخش مالی معرفی می‌شود [9]. با این حال علی‌رغم مطالعات بسیاری که پیرامون ارتباط نابرابری درآمدی و توسعه مالی صورت گرفته اما مطالعات زیادی در زمینه‌ی توسعه مالی و نابرابری انجام نشده است [5]. در کشور ما نیز اهمیت توزیع درآمد و تلاش برای تقسیم عادلانه امکانات بین اقشار مختلف جامعه و رفع نابرابری در بین استان‌های مختلف کشور، از جمله مواردی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بسیار مورد تاکید واقع شده است [4].

در این پژوهش اثر توسعه مالی بر استان‌های جنوبی کشور و با تاکید بر مناطق شهری طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۸ مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه و در بخش دوم مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش را مورد بحث قرار می‌دهد. سپس در بخش سوم مدل و داده‌ها، در بخش چهارم نتایج رگرسیون تشریح خواهد شد و در نهایت در بخش پنجم و ششم جمع بندی و منابع پژوهش ارائه می‌گردد.

۲. روش تحقیق و پیشینه

توسعه مالی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن ارائه خدمات مالی توسط مؤسسات مالی افزایش می‌یابد و همه آحاد جامعه، از طیف وسیعی از خدمات بهره‌مند شوند و از شاخص‌های مختلفی برای آن استفاده می‌شود که یکی از این شاخص‌ها، اعتبارات مالی مهیا شده برای بخش خصوصی به صورت نسبت یا درصدی از تولید ناخالص داخلی است که نقش واسطه‌های مالی در جهت‌دهی وجوه مالی به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و همچنین مشارکت بخش خصوصی را بهتر نشان می‌دهد [1].

یکی از مهمترین ملاک‌های نمایش وضعیت توزیع درآمد و نابرابری درآمدی نیز شاخص ضریب جینی به شمار می‌رود که از نظر آماری عبارت است از نسبت اندازه نابرابری توزیع درآمد در جامعه به حداکثر اندازه نابرابری درآمدی ممکن در یک توزیع درآمد کاملاً ناعادلانه. این ضریب اعدادی از صفر تا یک را شامل می‌شود که به ترتیب کمترین و بیشترین میزان نابرابری در توزیع درآمد را نشان می‌دهد. در واقع ضریب جینی کوچکتر نشان می‌دهد که تمام افراد جامعه از سطح درآمد یا ثروت یکسان تری برخوردار است در حالی که ضریب جینی بزرگتر نشان می‌دهد که یک نفر تمام درآمد یا ثروت را در اختیار دارد [6].

برای ارتباط نابرابری درآمدی و توسعه مالی دو دیدگاه رابطه U شکل معکوس^۱ و رابطه خطی بودن بیشتر مطرح است؛ مدل نظری گرین وود^۲ و جووانوویچ^۳ (۱۹۹۰)، راه حل پویایی بین تامین مالی و نابرابری ارائه می‌کنند. به این صورت که در مرحله اولیه توسعه هنگامی که واسطه‌های مالی کمتر توسعه یافته‌اند اقتصاد به آرامی رشد می‌کند و در مرحله میانی توسعه همراه با رشد اقتصادی سریع و توسعه مالی عمیق، نابرابری درآمدی افزایش می‌یابد و در مرحله بلوغ هنگامی که یک ساختار مالی بسیار توسعه یافت و عوامل بیشتری به بخش واسطه مالی دسترسی پیدا کردند درجه نابرابری درآمدی کاهش می‌یابد و در نهایت ثابت و پایدار می‌شود. بنابراین گرین وود و جووانوویچ، یک رابطه U شکل معکوس بین توسعه مالی و توزیع درآمد پیش بینی کردند. یعنی توسعه مالی ممکن است در مراحل اولیه نابرابری درآمد را بیشتر کرده، اما سپس هنگامی که درآمد به سطح متوسط افزایش یافت و خانوارهای بیشتری به بازارهای مالی دسترسی پیدا کردند نابرابری کاهش یافت [5]. برخلاف فرضیه U شکل معکوس گرین وود و جووانوویچ، در برخی دیگر از مطالعات نظری، یک رابطه خطی و منفی بین توسعه مالی و نابرابری درآمدی پیشنهاد می‌شود. که در آن توسعه بازارهای مالی و واسطه‌های مالی، از طریق حذف نقصان‌های بازار سرمایه و فراهم آوردن فرصت‌های بیشتر برای افراد فقیر جهت گرفتن وام و سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و پروژه‌های پربازده به بهبود توزیع درآمد کمک می‌کند [6].

در همین راستا، برخی مطالعات انجام شده در رابطه با توسعه مالی و نابرابری درآمدی در داخل و خارج در ذیل به اختصار ذکر شده است؛

¹ Inverted U-shaped relationship

² Jovanovich

³ Greenwood

طیب نیا و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیق تحت عنوان «بررسی تأثیر توسعه مالی بر نابرابری درآمدی، مطالعه موردی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا» با استفاده از داده‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵ بیان می‌کنند که توسعه مالی باعث کاهش نابرابری درآمدی در این کشورها گردیده و میزان این تأثیر نیز به اندازه‌ای بوده است که می‌تواند به نحوی معنادار، الگوی توزیع درآمد موجود را تغییر دهد [5].

قنبری و همکاران (۱۳۹۰) طی پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر توسعه مالی بر توزیع درآمد در ایران» رابطه میان توسعه مالی و نابرابری در ایران را برای دوره زمانی ۱۳۵۰ الی ۱۳۸۵ و با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) مورد بررسی قرار دادند و بیان کردند که شواهد کافی برای تایید وجود رابطه غیرخطی U معکوس بین توسعه مالی و نابرابری در ایران وجود ندارد [6].

جابری خسروشاهی و همکاران (۱۳۹۱) طی مقاله‌ای با عنوان «تأثیر توسعه مالی بر نابرابری درآمد در ایران» اثر توسعه مالی بر ضریب جینی به عنوان شاخص نابرابری درآمد، طی دوره ۱۳۵۲-۱۳۸۷ و با استفاده از روش الگوی خودتوضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که ارتباط توسعه مالی و ضریب جینی مثبت و کاهنده است که مطابق با فرضیه گرین وود و جووایس (۱۹۹۰) بود [1].

لیانگ^۴ (۲۰۰۶) با مقاله تحت عنوان «توسعه مالی و توزیع درآمد: تجزیه و تحلیل پانل سیستمی GMM با کاربرد در چین شهری» با استفاده از داده‌های استانی چین در بازه زمانی ۱۹۸۶-۲۰۰۰ و روش GMM بیان می‌کنند که توسعه مالی به کاهش نابرابری درآمدی شهری کمک می‌کند [13].

بیتنکورت^۵ (۲۰۰۹) در پژوهشی با نام «توسعه مالی و نابرابری: برزیل ۱۹۸۵-۱۹۹۴» توسعه مالی و نابرابری درآمدی در برزیل را با بهره‌گیری از سری زمانی و نیز داده‌های تابلویی سری زمانی آزمون کرده و بیان می‌کنند که توسعه مالی با کاهش نابرابری در دوره مورد بررسی رابطه قوی و قابل توجه دارد [10].

پامونگاس^۶ و همکاران (۲۰۱۵) طی پژوهشی با عنوان «وام بانکی و نابرابری درآمدی: شواهدی از اندونزی» به بررسی رابطه توسعه مالی و نابرابری درآمدی پرداخته و با بهره‌گیری از وام‌های بانکی به عنوان یک سنجه از توسعه مالی و داده‌های تابلویی ۳۳ استان در دوره زمانی ۲۰۰۷ الی ۲۰۱۳ به این نتیجه رسیدند که وام‌های مصرفی نابرابری را افزایش و وام به بنگاه‌های اقتصادی نابرابری را کاهش می‌دهند [14].

جاش^۷ و واتزکا^۸ (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان «توسعه مالی و نابرابری: رهیافت داده‌های تابلویی» به بررسی ۱۳۸ کشور توسعه یافته و درحال توسعه طی دوره زمانی ۱۹۶۰-۲۰۰۸ می‌پردازند و بیان می‌کنند که نتایج بدست آمده پیش‌بینی‌های مدل‌های نظری مبنی بر رابطه منفی توسعه مالی با نابرابری درآمدی را رد می‌کند و توسعه مالی نابرابری را افزایش می‌دهد [11].

جانگ^۹ و ادموند چا^{۱۰} (۲۰۲۱) در پژوهشی «توسعه مالی و نابرابری؛ شواهدی از چین» با استفاده از داده‌های تابلویی استان‌های کشور چین در دوره زمانی ۱۹۹۸ الی ۲۰۱۴ و به کارگیری روش سیستمی GMM رابطه بلندمدت توسعه مالی و نابرابری درآمدی را در این کشور بررسی کردند که در نتیجه آن دریافتند تعمیق مالی نمی‌تواند نابرابری درآمدی را کاهش دهد بلکه آن را افزایش می‌دهد [12].

در پژوهش پیش رو ارتباط توسعه مالی با نابرابری درآمدی در استان‌های جنوبی ایران طی سال‌های ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۸ و با تأکید بر مناطق شهری صورت می‌گیرد و همچنین دو رابطه نظری پیش گفته مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲. مدل و داده

در پژوهش پیش رو به منظور بررسی اثر توسعه مالی بر نابرابری در استان‌های جنوبی کشور، از مدل زیر که برگرفته از طیب نیا و همکاران (۱۳۸۹) می‌باشد [5] استفاده شده است.

$$LGINI_{it} = \beta_1 LFL_{it} + \beta_2 LGDPPC_{it} + \beta_3 LGDPPC_{it}^2 + \beta_4 LOPEN_{it} + \beta_5 UNE_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

در مدل بالا، LGINI نماد ضریب جینی مناطق شهری بوده از مرکز آمار ایران بوده و نابرابری درآمدی را نشان می‌دهد، LFL نماد متغیر نسبت اعتبارات بانکی اعطایی به تولید ناخالص داخلی (GDP) بوده که از بانک داده‌ای بانک مرکزی [15] و وزارت اقتصاد و امور دارایی [16] استخراج شده است و توسعه مالی را نشان

⁴ Liang
⁵ Bittencourt
⁶ Pamungkas
⁷ Jauch
⁸ Watzka
⁹ Jung
¹⁰ Edmond Cha

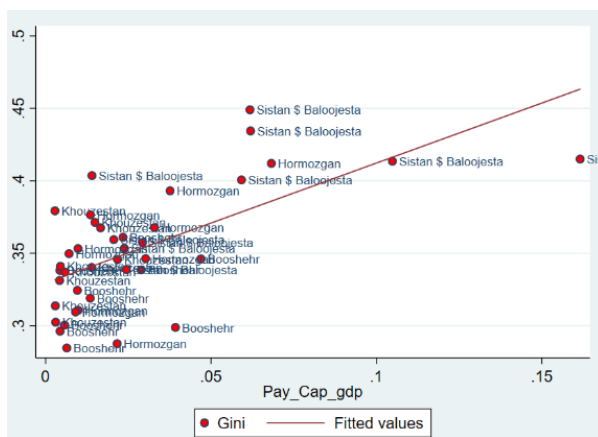
می‌دهد (لازم به ذکر است که به حسب قرارگیری دفاتر برخی شرکت های استان ها در تهران بخشی از تسهیلات بانکی اعطایی به استان ها برای تهران ثبت می شود و لذا در آمار تسهیلات اعطایی این استان ها نمی‌آید). همچنین **LPC** پرداخت هزینه های دولت (شامل پرداخت اعتبارات هزینه ای و پرداخت بابت تملک دارایی های سرمایه ای) به تولید ناخالص داخلی (GDP) استان از وزارت اقتصاد و امور دارایی را نشان می‌دهد. نیز **LGDPCC** و **LGDPCC²** به ترتیب درآمد سرانه داخلی و مجذور آن مستخرج از وزارت اقتصاد و امور دارایی و مرکز آمار ایران می‌باشند، **LOPEN** نماد نسبت حجم تجارت (صادرات و واردات) به تولید ناخالص داخلی (GDP) مستخرج از بانک داده وزارت اقتصاد و امور دارایی است و افزون بر نشان دادن تجارت باز بودن اقتصاد را نشان می‌دهد، **UNE** نرخ بیکاری از بانک داده‌ای از وزارت اقتصاد و دارایی و **E** نیز جزء اخلاص رگرسیون را نشان می‌دهد. نیز حرف **L** در ابتدای نام متغیرهای مدل و زیرنویس های **i** و **t** به ترتیب لگاریتمی بودن متغیر، مقطع (استان) و زمان (سال) را نشان می‌دهد. جامعه آماری این پژوهش شامل چهار استان جنوبی ایران یعنی خوزستان، بوشهر، هرمزگان و سیستان و بلوچستان می‌باشد.

داده‌های این تحقیق یک پانل نامتوازن را برای جامعه آماری مذکور و طی دوره زمانی ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۸ فراهم می‌کند که توصیف داده‌های خام پژوهش را می‌توان در جدول «۱» مشاهده کرد؛

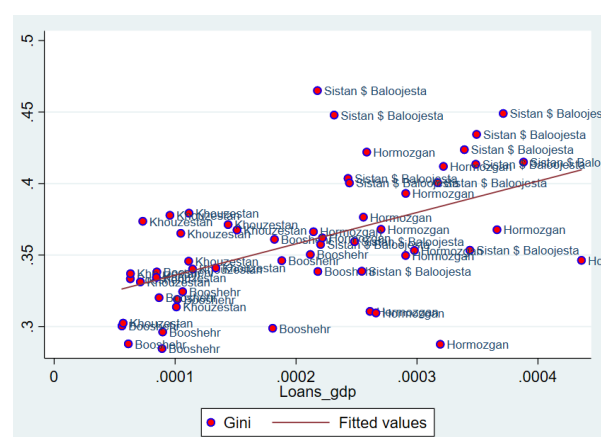
جدول ۱. توصیف متغیرها

متغیر	مقدار بیشینه	مقدار کمینه	خطای استاندارد	میانگین	تعداد مشاهده
GINI	۰/۴۶۵	۰/۲۸۴۶	۰/۰۴۳۵۶۵۳	۰/۳۵۹۱۳۵	۶۰
FL	۰/۰۰۰۴۳۶	۰/۰۰۰۰۵۶	۰/۰۰۰۱۰۵۲	۰/۰۰۰۲۰۲۲	۵۶
PC	۰/۱۶۱۵۶۱۸	۰/۰۰۲۸۲۵۴	۰/۰۳۱۱۵۴۸	۰/۰۲۶۸۵۲۱	۴۰
GDPPC	۰/۰۵۲۷۹۶۴	۰/۰۰۰۴۴۳۹	۰/۰۱۰۴۶۹۸	۰/۰۰۸۱۲۱۵	۵۶
GDPPC ²	۵۹/۵۹۵۷۱	۸/۶۵۱۳۱۷	۱۲/۰۴۶۸۵	۳۰/۵۱۳۴۵	۵۶
OPEN	۰/۳۴۷۶۳۱۹	۰/۰۰۲۹۳۳۱	۰/۰۷۲۴۱۴۱	۰/۰۴۶۱۵۷۶	۳۶
UNE	۰/۱۶	۰/۰۶۹۲۵	۰/۰۱۸۶۶۴	۰/۱۱۲۴۴۶۴	۵۶

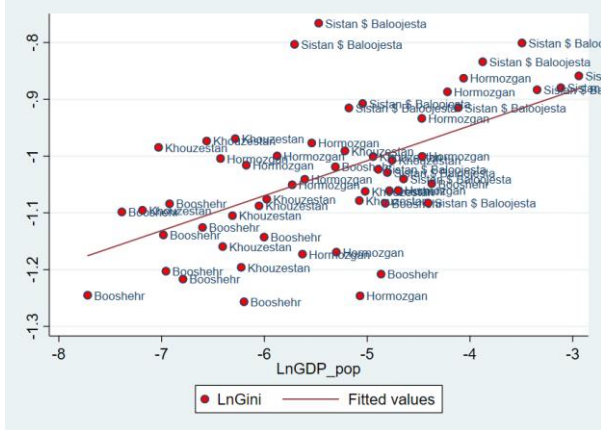
در جدول «۱»، تعداد مشاهدات، میانگین، خطای استاندارد و مقادیر بیشینه و کمینه را می‌توان از راست به چپ مشاهده کرد. در دوره زمانی مورد بررسی، استان های بوشهر در سال ۱۳۹۱ و سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۹۷ به ترتیب کمترین و بیشترین مقادیر ضریب جینی را داشته‌اند و از سوی دیگر استان‌های بوشهر در سال ۱۳۹۳ و هرمزگان در سال ۱۳۸۹ به ترتیب کمترین و بیشترین دریافت نسبت تسهیلات بانکی به تولید ناخالص داخلی (GDP) را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین در شکل های «۱» الی «۶» می‌توان همبستگی هر یک از متغیرهای مستقل (روی محور افقی) مدل را با متغیر وابسته (روی محور عمودی) مشاهده کرد.



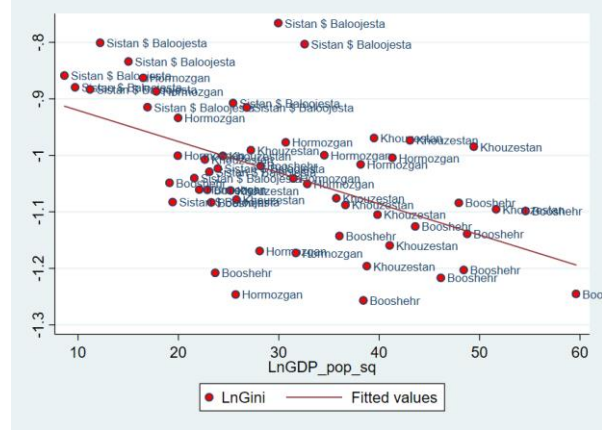
شکل ۲. نسبت پرداخت هزینه‌های دولت به GDP و ضریب جینی



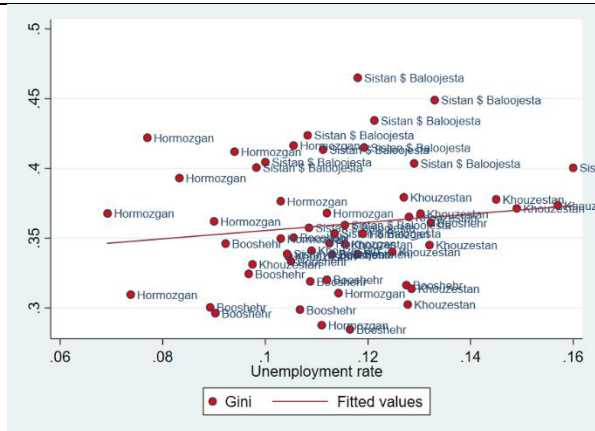
شکل ۱. نسبت اعتبارات اعطایی به GDP و ضریب جینی



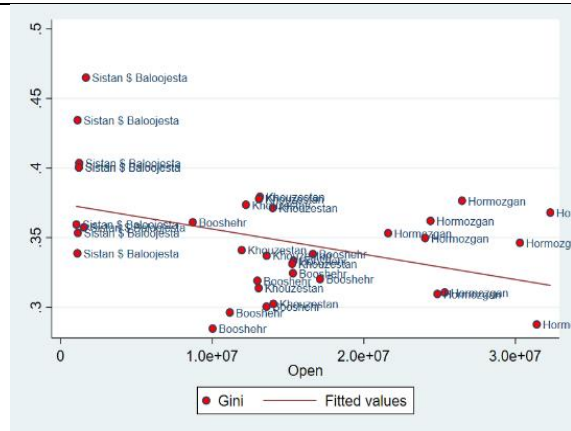
شکل ۴. لگاریتم درآمد سرانه و لگاریتم ضریب جینی



شکل ۳. مجذور لگاریتم درآمد سرانه و لگاریتم ضریب جینی



شکل ۶. نرخ بیکاری و ضریب جینی



شکل ۵. حجم تجارت و ضریب جینی

شکل «۱» و «۲» همبستگی مثبت بین نسبت اعتبارات اعطایی به تولید ناخالص داخلی (GDP) و نسبت پرداخت‌های هزینه‌ای دولت به تولید ناخالص داخلی (GDP) با ضریب جینی را نشان می‌دهد. این همبستگی مثبت با ضریب جینی برای درآمد سرانه نیز در شکل «۴» قابل مشاهده است اما در شکل «۳» مجذور درآمد سرانه با ضریب جینی همبستگی منفی دارد که می‌تواند تاییدکننده دیدگاه رابطه U معکوس بین توسعه مالی و نابرابری درآمدی در مدل نظری گرین وود و جووانویچ در استان‌های مورد بررسی باشد. همچنین شکل «۵» و «۶» به ترتیب حاکی از همبستگی منفی و مثبت ضریب جینی با حجم تجارت و نرخ بیکاری در جامعه مورد بررسی می‌باشد. با این حال جهت بررسی دقیق تر باید در حضور سایر متغیرهای اثرگذار و در قالب مدل رگرسیونی به تجزیه و تحلیل روابط و استنباط از آن‌ها پرداخت.

۳. یافته‌ها

با توجه به اهمیت بررسی ایستایی متغیرها، ابتدا با استفاده از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته که یکی از آزمون‌های ریشه واحد محسوب می‌شود به بررسی این مهم پرداخته می‌شود. در این آزمون فرض صفر وجود ریشه واحد در همه مقاطع و فرض یک نشان دهنده وجود حداقل یک مقطع مانا می‌باشد (منجذب و نصرتی، ۱۳۹۷، ص ۲۰۳). نتایج آزمون دیکی فولر تعمیم یافته بر اساس چهار آماره آزمون مذکور در جدول «۲» گزارش شده است که در سطح احتمال خطای ۰/۰۵ متغیرها مورد بررسی قرار می‌گیرند.

جدول ۲. نتایج آزمون فیشر- دیکی فولر جهت بررسی مانایی متغیرها

متغیر	احتمال آماره	P	Z	L*	Pm
LGINI		۰/۰۰۱۵	۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۱۰	۰/۰۰۰۰
LFL		۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۰
LPC		۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۰
LGDPPC		۰/۰۰۲۵	۰/۰۰۰۶	۰/۰۰۱۶	۰/۰۰۰۰
LGDPPC ²		۰/۰۱۶۲	۰/۰۰۵۲	۰/۰۰۹۶	۰/۰۰۳۶
LOPEN		۰/۰۰۱۶	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۱۰	۰/۰۰۰۰
UNE		۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰

منبع: یافته های پژوهش

چنانچه مشاهده می شود احتمال آماره های آزمون دیکی فولر تعمیم یافته برای همه متغیرهای به کار رفته در پژوهش، مانایی در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ را نشان می دهد. در ادامه برای تعیین الگوی برآوردی مناسب از آزمون هایی نظیر اف-لیمر، بروش پاگان و هاسمن استفاده می شود که با توجه به نتایج این آزمون ها می توان نتایج برآورد نهایی مدل رگرسیونی را در جدول «۳» مشاهده کرد؛

جدول ۳. نتایج برآورد رگرسیون

متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	احتمال
LFL	۰/۰۹۷۴	۰/۰۶۱۹	۰/۱۳۳
LPC	۰/۲۰۹۴	۰/۰۸۰۴	۰/۰۱۸
LGDPPC	۰/۵۵۷۲	۰/۳۲۴۹	۰/۱۰۳
LGDPPC ²	۰/۰۴۶۲	۰/۰۲۵۷	۰/۰۸۹
LOPEN	-۰/۳۰۹۴	۰/۱۲۳۸	۰/۰۲۲
UNE	۲/۷۵۴۹	۱/۲۱۶۲	۰/۰۳۶
عرض از مبدا	۰/۸۸۹۲	۰/۹۹۴۸	۰/۳۸۳

منبع: یافته های پژوهش

چنانچه مشاهده می شود رابطه نسبت اعتبارات تخصیصی و نسبت پرداختی های دولت به تولید ناخالص داخلی (GDP) با ضریب جینی مثبت و البته با معنی داری به ترتیب ضعیف و قوی می باشد که مؤید شکل های همبستگی «۱» و «۲» می باشد. همچنین مثبت شدن ضرایب تولید ناخالص داخلی و مجذور آن در ارتباط با شاخص نابرابری درآمدی می تواند نشان از عدم تایید رابطه U معکوس بین توسعه مالی و نابرابری در این استان ها باشد. بنابراین بر اساس نتایج برآوردی توسعه مالی در این مناطق و در بازه زمانی مورد بررسی نمی تواند عامل کاهش نابرابری درآمدی باشد و لذا نمی توان پیشبینی های دو مدل نظری مطرح در ادبیات نظری پژوهش مبنی بر منفی بودن رابطه را تأیید کرد. که ممکن است ناشی از کیفیت و کارایی نامناسب نظام پولی کشور در تخصیص اعتبارات بانکی باشد [3]. همچنین نسبت حجم تجارت به تولید ناخالص داخلی (GDP) با نابرابری رابطه عکس و معنی دار را نشان می دهد و نرخ بیکاری نیز مطابق با انتظار رابطه ای مستقیم و معنی دار با ضریب جینی برقرار کرده است.

۴. بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش با هدف بررسی اثر توسعه مالی بر استان های جنوبی کشور و با تأکید بر مناطق شهری طی سال های ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۸ از داده های ضریب جینی و تسهیلات اعطایی به استان های سیستان و بلوچستان، هرمزگان، بوشهر و خوزستان استفاده شده است. نتایج برآوردی مدل رگرسیونی حاکی از اثر مثبت توسعه مالی بر نابرابری درآمدی و نیز عدم تأیید مدل های نظری مبنی بر رابطه منفی بین دو متغیر مذکور است. این نتایج نمی تواند پژوهش هوشمند و دانش نیا (۱۳۹۰) [9] را تأیید و در مقابل مشابه تحقیق جاش و واترکا (۲۰۱۶) [11] می باشد.

همچنین نتایج پژوهش رابطه حجم صادرات و نابرابری درآمدی را برای استان های مورد بررسی منفی و معنادار نشان می دهد و از طرف دیگر همچون لیانگ (۲۰۰۶) [13] ارتباط نرخ بیکار را با ضریب جینی مثبت و معنادار برآورد می کند. لذا تقویت تجارت (صادرات و واردات) در این استان ها می تواند به عنوان یک عامل کاهش



نابرابری درآمدی مورد توجه سیاستگذاران قرار گیرد. در پایان به نظر می رسد که موضوع پژوهش پیش رو می تواند در استان های مختلف از جمله سایر استان های مرزی ارزیابی قرار گیرد.

منابع

- [1] جابری خسروشاهی، نسیم، محمودوند ناهیدی، محمدرضا و نوروزی، داوود (۱۳۹۰). «تأثیر توسعه مالی بر نابرابری درآمد در ایران»، فصلنامه علمی-پژوهشی، پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، ۲(۶)، ۱۷۳-۲۰۸.
- [2] خالصی، گلنار و پیروانی، خسرو (۱۳۹۵)، «رابطه رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی بین استان های ایران»، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، ۱۶(۲)، ۱۵۵-۱۷۱.
- [3] دژپسند، فرهاد و بخارایی، ریحانه (۱۳۹۵)، «بررسی رابطه توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایرن بر اساس الگوی اقتصاد کلان پساکینزی»، فصلنامه اقتصاد مالی و توسعه، ۱۰(۳۲)، ۵۱-۹۲.
- [4] رفعت، بتول و جزئی زاده، الهه (۱۳۹۵)، «بررسی اثر توسعه مالی استانی بر توزیع درآمد استانی در ایران»، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، ۱۶(۲)، ۲۹-۴۶.
- [5] طیب نیا، علی، عباس، زارعی و یاری، حمید (۱۳۸۹)، «بررسی تاثیر توسعه مالی بر نابرابری درآمدی، مطالعه موردی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا»، سیاست های اقتصادی، ۱۰(۱۸)، ۱۳۷-۱۵۴.
- [6] قنبری، علی، آقایی، مجید و رضاقلی زاده، مهدیه (۱۳۹۰)، «بررسی تأثیر توسعه مالی بر توزیع درآمد در ایران»، پژوهشنامه اقتصادی، ۱۱(۴۰)، ۱-۲۹.
- [7] منجذب، محمدرضا و نصرتی، رضا (۱۳۹۷)، «مدلهای اقتصادسنجی پیشرفته: همراه با ایوبوز و استاتا»، موسسه کتاب مهربان نشر، تهران.
- [8] نظم فر، حسین و علی خشی، آمنه (۱۳۹۳)، «سنجش نابرابری فضایی توسعه یافتگی ناحیه ای (مطالعه موردی: استان خورستان)»، مجله علمی- پژوهشی برنامه ریزی فضایی (جغرافیا)، ۴(۳)، ۹۹-۱۱۴.
- [9] هوشمند، محمود و دانش نیا، محمد (۱۳۹۰)، «تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی در ایران»، دو فصلنامه اقتصادی پولی، مالی (دانش و توسعه سابق) دوره جدید، ۱۸(۲)، ۴۵-۶۱.
- [10] Bittencourt M. (2010). Financial development and inequality: Brazil 1985–1994. *Econ Chang Restruct* [Internet]. 43(2):113–30.
- [11] Jauch S, Watzka S. (2016). Financial development and income inequality: a panel data approach. *Empir Econ* [Internet]. 51(1):291–314.
- [12] Jung, Samuel M, and Hyungju Edmond Cha. (2021). “Financial Development and Income Inequality: Evidence from China.” *Journal of the Asia Pacific Economy* 26(1): 73–95.
- [13] Liang, Zhicheng. (2006). “Financial Development and Income Distribution: A System GMM Panel Analysis with Application to Urban China.” *Journal of economic development* 31(2): 1-21.
- [14] Pamungkas, Putra, Clovis Rugemintwari, and Amine Tarazi. (2015). “Bank Lending and Income Inequality: Evidence from Indonesia.” *Bank Lending and Income Inequality: Evidence from Indonesia* (December 23, 2015).
- [15] <https://www.cbi.ir>
- [16] <https://databank.mefa.ir>